

شهید مطهری و حکمت وحدت و همبستگی

بنیاد تاریخ پژوهشی ایران معاصر

دوازده اردیبهشت در تقویم ایران مترادف با شهادت متفکر حکمت وحدت و همبستگی و حکیم تفکر توحیدی شهید مرتضی مطهری است. شهید مطهری را متفکری جامع در حکمت اسلامی دانسته اند. طهارت روح، قدرت ایمان و قدرت بیان، از او متفکری بر جسته در همه ی زمینه های تفکر اسلامی ساخته بود. متفکری که تلاش می کرد با شناخت مقتضیات زمان و بازنگری معرفت دینی، نسل جوان را به جامعیت اسلام و توانایی او در حل مشکلات فردی و اجتماعی در دنیای جدید آشنا کند.

مطهری بی تردی متفکر نسل جوان بود و اعتقاد داشت که متفکران، فقها، علما و دانشمندان اسلامی تا درد عقلی، فکری و اجتماعی این نسل را نشناسند نمی توانند با آنان رابطه برقرار کنند. مطهری همه ی این دردها را نشانه ای بیداری نسل جوان می دانست و معتقد بود که این نسل چیزی را احساس می کند که نسل گذشته احساس نمی کرد.

حسرت و رازی که در بیماری است وقت بیماری از بیداری است

هر که او بیدار تر پر دردتر

هر که او هوشیار تر رخ زرد تر

از دیدگاه مرحوم مطهری نسل جوان دنیا را می بیند، قدرت های اقتصادی، قدرت های سیاسی و نظامی، دموکرات های دنیا، برابری ها، حرکت ها، قیام ها و انقلاب ها را می بیند. جوان احساساتش عالی است و حق هم دارد.

سخن درست بگویم نمی توانم دید

که می خورند حریفان و من نظاره کنم

اینها دردهای نسل جوان است که مرحوم مطهری احساس می کرد و معتقد بود که این احساس نه تنها گناه نیست بلکه یک پیام الهی است. او معتقد بود که اگر حوزه های دینی از این احساس غفلت کنند شک و تردیدها و سوال های نسل جوان را درک ننموده و برای آن پاسخ مناسب پیدا نکنند. اسلام و قرآن را دچار مهجوریت خواهند کرد. مرحوم مطهری معتقد بود که

در رهبری نسل جوان پیش از هر چیز باید دو کار انجام داد، یکی باید درد این را شناخت و آنگاه در فکر درمان و چاره شد، بدون شناختن درد این نسل هر گونه اقدامی بی مورد است. (1)

مرحوم مطهری در سراسر زندگی علمی خود، به دنبال این هدف مقدس بود و برای تأمین آن، خود را در معرض سوالات کنکاش های علمی و پرسش های سیاسی- اجتماعی این نسل قرار می داد. مطهری فریاد محجوبانه و عاقلانه ی نسل جدید در محیط فاسد و ضد دین غرب زده ی نظام شاهنشاهی بود که تمایل داشت حقیقت دین را در دنیا مدرن به اثبات رساند و نه دین و نه رخدادهای دینی، بلکه نحوه ی زندگی و زیست دینی را تعریف کند.

مطهری در فرآیند این آرمان بزرگ به امام خمینی رسید و با آموزه های این پیر روشن ضمیر، حکیم حکمت وحدت و همبستگی در جهان کثرت و پراکندگی شد. مطهری پس از آشنایی با آرمان های بلند امام خمینی، همه ی یافته های حکمت وحدت را در مسیر نهضت امام خمینی قرار داد و یکی از پر قدرت ترین متفکران نسل جوان در تبلیغ مشرب امام خمینی شد و علی رغم هوش سرشار، قدرت استنباط و آماده بودن شرایط برای رسیدن به مراحل عالی در حوزه های فقهت، خود را وقف نسل جوان کرد و با تمام وجود در مقابل انحرافات دینی و غیر دینی، جریانهای پیچیده ی فکری و سیاسی ایستادگی کرد، از آرمان های نهضت امام خمینی که به اعتقاد او یک نهضت عظیم اسلامی بود، دفاع کرد. درست در آن دورانی که شبه روشنفکران غرب گرا در همان توهمات دویست ساله ی تاریخ معاصر ایران شعار می دادند که «از رهبری سنتی که پاسدار بنیان های فرهنگی است، کاری ساخته نیست، چرا که طی دو قرن تمام عرصه های اندیشه و عمل را از او گرفتند و هنوز نیز می گیرند و این رهبری گاه مقاومتی کار پذیرانه می کند و تسلیم می شود. در میان این رهبری البته سید جمال، مدرس و... خمینی و طالقانی و... به وجود آمده اند، اما آنها را نیز پیش از آنکه دشمنی از پا در بیاورد، همین رهبری سنتی عاجز کرده و می کند...» (2)

مرحوم مطهری به دفاع از آرمان های نهضت امام خمینی بر خاست و در پاسخ به این القائات می نویسد:

کدام رهبری توانسته است مانند همین رهبری سنتی موج بیافریند و حرکت خلق کند؟ در این صد ساله ی اخیر که از قضا دوره ی فرنگ رفته ها و روشنفکران متجدد ضد سنت است، کدام رهبری غیر سنتی، توانسته است یک دهم رهبری سنتی، جنبش به وجود آورد؟ (3)

مطهری معتقد بود که روشنفکر ایرانی به توهم این که در اروپای امروز مذهب نقش ندارد و نقش خود را در گذشته ایفا کرده است، نقش مذهب را در ایران نیز تمام شده تلقی میکنند. در حالی که نه ایران اروپا است و نه اسلام مسیحیت است.

روشنفکری ایرانی به جای این که از این منبع عظیم حرکت و انرژی برای نجات مردم خود بهره بگیرد، به مقابله با آن برخاسته است و در تلاش است که از متولیان و پاسداران فعلی مذهب خلع ید نماید.(4)

شهید مطهری درست در همان دورانی که کسی باور نمی کرد حرکت امام خمینی آغاز یک نهضت بزرگ اسلامی است، در نوشته ها و حرف های خود از پانزده خرداد به عنوان آغاز یک نهضت عظیم اسلامی یاد کرد و رهبری امام را آگاهانه، شجاعانه و غیر قابل تردید دانست، نهضت اسلامی ایران مفتخر است که در حال حاضر رهبری آن را مراجعی آگاه و شجاع و مبارز بر عهده گرفته اند که نیازهای زمان را تشخیص می دهند... اما آن سفر کرده که صدها قافله دل همراه اوست، نام او، یاد او و شنیدن سخنان او، استقامت او، شجاعت او، روشن بینی او، ایمان جوشان او که زبانزد خاص و عام است، یعنی جان جانان، قهرمان قهرمانان، نور چشم و عزیز ملت ایران استاد عالی قدر و بزرگوار ما حضرت آیت الله العظمی خمینی ادام الله ظلالة، حسنه ای است که خداوند به قرن ما و روزگار ما عنایت فرموده... قلم بی تابی می کند که به پاس دوازده سال فیض گیری از محضر آن استاد بزرگوار به شکرانه ی بهره های روحی و معنوی که از برکت نزدیک بودن به آن منبع فضیلت و مکرمت کسب کرده ام، از بسیار را بازگو کنم (5)...

متفکر شهید مرتضی مطهری عمق عشق خود را به استاد و پیر و مرادش، در قطعه شعری که بعد از پانزده خرداد سروده است، نشان می دهد:(6)

آواز جرس

ز منزل گاه آن محبوب، یاران را خیر نبود

همی آید به گوش از دور آواز جرس ما را

صبا از ما ببر یک لحظه پیغامی به روح الله که ای یاد تو مونس روز و شب در این قفس ما را

به رگم کوشش دشمن نخواهد بگسلد هرگز

میان ما و تو پیوند تا باشد نفس ما را

سزاوار تو این جان، کنج زندان نیست منزلگه

سزد خون ببارد از هر دو دیده هر نفس ما را

رواق منظر دیده مهبای قدوم تو

کرم فرما و بپذیر از صفا این ملتتمس ما را

تمام ملت ایران فکنده چشم بر راهت

به راه عدل و آزادی، نه باک از هیچ کس ما را (7)

فصل نامه پانزده خرداد ضمن عرض تسلیت به مناسبت سالگرد شهادت این استاد بزرگ، به پاس تجلیل از یاد این حکیم فرزانه، بخشی از نوشته های منتشر نشده ی استاد در زندان موقت شهربانی، در پانزده خرداد 1342 را که در دفتر یاد بود تنی چند از علمای که در جریان بازداشت های وسیع آن دوران دستگیر و هم زنجیر آن شهید گران قدر بودند، تقدیم خوانندگان می کند (8). اسناد مذکور نشان دهنده ی عمق آگاهی و بیداری شهید مطهری از ماهیت نهضت امام خمینی و ارزش وحدت و هم بستگی روحانیت و ملت در این نهضت می باشد.

بسمه تعالی شانه

وضع خاص ملل مسلمان در میان ملل جهان اسف آور است. اکثریت افراد آنها مع الاسف وضع و حال خود را درک نمی کنند و دچار آن غفلت و غروری هستند که قرآن کریم به عنوان وصف حال یهود ذکر می کند و یا مردم عرب جاهلیت در مورد خود فکر می کردند. در این میان در یک قرن اخیر افرادی مؤمن و مصلح و شجاع ظهور کرده اند و در راه بیداری مسلمانان و رفع علل بدبختی آنان که چیزی جز انحراف از تعلیمات عالییه اسلامی و سرگرم شدن به مادیات و بدعت هایی که خود ساخته و پرداخته نیست، کوشیده اند. خوشبختانه فعالیت این گروه معدود و افراد برجسته که خوش درخشیده و دولت مستعجل بوده اند، اندک اندک به ثمر رسیده و شاید فاصله زیادی تا بیداری کامل مسلمانان و آزادی آنها نداشته باشیم. زیرا بیداری کم و بیش در میان سلسله جلیله روحانیت پیدا شد و مخصوصاً طبقه جوان این سلسله از این موهبت عظمی برخوردار بیشتری دارند. در دو سه سال اخیر که طبقه نسبتاً جوانتری زعامت روحانی را در دست گرفته اند، واقع بینانه تر عمل کرده اند. تا آنجا که زندانی شدن در راه هدف مقدس خود را (بر خلاف سابق) افتخار می شمرند و در حال حاضر یکی از یزرگ ترین مراجع تقلید عصر، این مدال افتخار را یعنی زندانی شدن در راه هدف مقدس مبارزه با استعمار را به سینه خود نصب کرده است. توقیف یک عده پنجاه نفری در زندان موقت شهربانی که این جانب نیز افتخار مصاحبت آنها را دارم و در این محل توفیق زیارت خطیب معظم آقای اهری دامت افاضاته پیدا کرده ام به همین علت است از خداوند توفیق بیشتر این گروه و نصرت اسلام و مسلمین را و مسئلت دارم.

زندان موقت شهربانی تهران

پی‌نوشت‌ها:

1. رک. شهید مرتضی مطهری، رهبری نسل جوان، ده گفتار، دفتر انتشارات اسلامی قم، بی تا، ص 142
2. بنی صدر در کتاب در روش معتقد بود که مباحث مذکور، نتایج گفتگوهای اوبا دکتر شریعتی در سال 1963 در پاریس بود. لذا در آن جا تصمیم گرفته شد که با دو گروه به مقابله برخاسته شود 1. گروه رهبری سنتی 2. گروه های روشنفکری که توجیه گر سلطه ی غرب بود. باید حمله را بر این دو دسته بریم و تیشه ها را در پی در پی بر بنیاد های سنتی و مدرن وارد آوردیم (در روش از ابوالحسن بنی صدر، نقد و بررسی از شهید مطهری، با مقدمه محمد رضا فاکر، انتشارات آزادی، قم، بی تا، ص 9).

3. همان، ص 62

4. همان، ص 262 – 263

5. همان ص 66-67

6. استاد راجع به این، شعر می نویسد:

«بعد از پانزده خرداد که در زندان شهربانی بودیم، آقای بکائی تبریزی اشعار ذیل را که از مردی به نام ذوالقدر می باشد در پشت مثنوی من به عنوان یادگار نوشتند:

نشد ابرو خم از سنگینی بار قفس ما را که این سنگ سبکتر باشد از بال مگس ما را

بر غم عدل و آزادی خلاف هر چه در عالم

به جرم راستی افکنده در زندان عسس ما را

تنگ پر مایگان توبه فرما را ز ما بر گو گر انجانیم و نتواند خریدن هیچ کس ما را

خود آزادی به دست آور که کس نفرستد ای گوهر

در این مکتب که معنی واژگون گردیده اسما را

دموکراتش لقب بخشند هر خود رأی و خود کامی

که این سنگ سبکتر باشد از بال مگس ما را

ز بیت المال ملت گنج ها سهم تبه کاران بیات آجر و صبحانه ی آب عدس ما را

این جانب با این که فاقد طبع شعر است، یک روز اشعار بالا را با ابیات زیر استقبال کرد.» (شعر آواز جرس). ر.ک: مرتضی

مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، صدرا، ص 11.

7. آزادی از نگاه استاد مطهری، گردآوری حسین یزدی، انتشارات صدرا، تهران 1379، ص.13

8. جریان مربوط به نحوه گردآوری این اسناد در همین شماره در بخشی از خاطرات آقای شیخ محمد علی انصاری اراکی آورده شده است.

منبع: فصلنامه تخصصی 15 خرداد ش 3

به نقل از سایت راسخون